



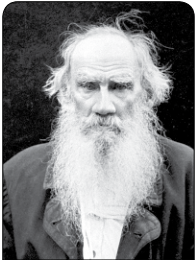
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۰۷۱۹-۱، تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: روز تاب، جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharhnewspaper.ir
تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۳ اذان مغرب ۲۰:۲۹ اذان صبح فردا ۴:۰۳ طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه

سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۰
۴ رجب ۱۴۳۲
۷ ژوئن ۲۰۱۱
• سال هشتم
• شماره پیاپی ۱۲۶۴
• شماره ۳۴۰ دوره جدید
• ۲۰ صفحه

ثبت کتابخانه تولستوی در حافظه جهانی یونسکو

مهر: ایرینا بوکوکوا، دبیر کل یونسکو از پیشنهاد شورای مشورتی بین‌المللی این سازمان برای ثبت کتابخانه «لئو تولستوی» نویسنده معروف روس در برنامه جهانی خبر داد. به گزارش PNA، ایرینا بوکوکوا، دبیرکل یونسکو گفت: شورای مشورتی یونسکو از کمیسیون حافظه جهانی خواسته ۴۵ سند تاریخی و نسخه‌های خطی را در برنامه حافظه جهانی به ثبت برساند که کتابخانه لئو تولستوی هم از این جمله است. این کتابخانه حاوی دست‌نوشته‌ها، عکس‌ها و مطالب متعدد علمی و ادبی از تولستوی است.



بی ربطی‌ها

تصمیم قطعی

سروش فرهادیان



■ «آزمایش‌ها انجام شده؛ تصمیم قطعی»؛ در نگاه نخست که این‌ کاغذ را روی دیوار دیدم به نظرم تبلیغی بی‌مزه و شل و ول برای یک آپارتمان‌گران قیمت در شمال شهر آمد. آپارتمانی که تمام آزمایش‌ها و تست‌های گوناگون را از سر گذرانده و مالک تصمیمش را برای فروش یا اجاره قطعی گرفته است. پیش خودم گفتم استانداردهای خرید و اجاره آپارتمان چقدر بالا رفته- نه برای ما که در مورد بعضی‌ها- آپارتمان که می‌خرند باید چکاپ شده باشد. اما کمی بیشتر که دقت کردم یک O مثبت خواب و خیالم در مورد چکاپ آپارتمان را به هم زد. دوباره آگهی را خواندم؛ «کلیه فروشی با گروه خونی O مثبت، سالم، تصمیم قطعی»؛ یک شماره تلفن هم زیرش خود نمایی می‌کرد. اعصاب خردی همه این آگهی یک طرف، این دو کلمه «تصمیم قطعی» هم یک طرف.

در تمام مسیر تا رسیدن به محل کار به «تصمیم قطعی» فکر می‌کردم. مدام چگونگی اینکه یک نفر برای فروش یک تکه از بدنش به نتیجه‌گیری قطعی می‌رسد جلوی چشمم رژه می‌رفت. تا به حال از قطعی بودن یک تصمیم تا این حد عصبی نشده بودم. به دفتر که رسیدم همه گرد یکی از بچه‌ها جمع شده بودند. یکی از قیمت می‌پرسید و دیگری از کیفیت. یکی نتیجه می‌گرفت که دلیل جامعه‌شناختی دارد و یکی پای استدلال‌های اقتصادی را وسط می‌کشید. یکی از فلسفه یونان کمک می‌گرفت و یکی از مشکل‌های ایران.

عصبانیت از «تصمیم قطعی» را به کل فراموش کردم و برای اینکه از بحث روشن فکری عقب نیفتم خودم را یک جوری لایه‌لای همکارانم جا دادم. یک تکه کاغذ در محور بحث قرار داشت که رویش نوشته شده بود: «کلیه با همه نوع گروه خونی جهت فروش موجود است؛ پیشنهاد قیمت با شما O و A منفی یا مثبت و AB» یکی از بچه‌ها گوشی تلفنش را برداشت و شماره آگهی را گرفت تا میزان «طعی» بودن «تصمیم» فروشنده را بسنجد. وقتی حرف‌هایش تمام شد، گفت: «بچه‌ها فروشنده می‌گوید، تصمیم من قطعی است؛ توهم تصمیم قطعی‌ات را بگیر و مبلغی را پیشنهاد بده؛ پول را هم آماده کن»؛ به همین سادگی.

رویداد

نقد و بررسی «اقلیم خاطرات» در شهر کتاب

■ شرق : تاریخ شفاهی سرچشمه تمام تاریخ‌نگاری‌هاست و قدمتی دیرینه دارد. در سال‌های اخیر در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، ادبی و انقلاب اسلامی، آثار مختلفی به همت نویسندگان، شاعران، دانشگاهیان و جوزویان منتشر شده که هر کدام از زوایای متفاوت به بیان خاطرات خود پرداخته و به غنای تاریخ شفاهی ایران افزوده‌اند. به تازگی کتاب «اقلیم خاطرات» که شامل خاطرات فاطمه طباطبایی، عروس امام خمینی (ره)، است به همت موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شده است. نشست هفتگی شهرکتاب در روز سه‌شنبه ۱۷ خرداد ساعت ۱۶:۳۰ به بحث و گفت‌وگو درباره کتاب «اقلیم خاطرات» اختصاص دارد که با حضور فاطمه طباطبایی، رسول جعفریان و محسن بهشتی‌سرشت در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نیش کوچه سوم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

کارتون خواب

جمال رحمتی

jamalrahmati@yahoo.com



زاویه

صنعت شهرت‌پروری

گوناگون و کنش‌های والای ارزشی خود را از سایر افراد جامعه متمایز می‌کنند. بسا این حال در جوامع پیشامدرن شهرت قهرمانان و چالش‌های آنها به کنندی در میان مردم گسترش می‌یافت اما با حضور مدرنیته و صورت‌های پیشرفته ارتباطات شهرت‌یابی امری آنی شده است، بنابراین فهم و دریافت مناسب میان کنش‌های برجسته و تصویری که از آن ساخته می‌شود بسیار دشوار است.

به تعبیر دیگر، در اینجا تشخیص میان حقیقت و افسانه، شایستگی و عدم شایستگی از میان رفته و تنها قدرت رسانه‌های صوتی و تصویری است که میدان‌دار این معرکه می‌شوند. به طور کلی صنعت شهرت‌پرداز گسترته مطلوب خود را برنامه‌های سرگرم‌کننده تلویزیونی و رادیویی می‌یابد. بنابراین در این چارچوب شهرت نیز ماهیتی صنعتی به خود می‌گیرد. در اینجاست که فهم پدیده شهرت و ارتباط آن با سرگرمی از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود و به طور کلی شهرت به عنوان یک پدیده مهم فرهنگی چشمگیر می‌شود، بنابراین توجه به جایگاه و موقع آن در زندگی روزمره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اینجا نباید از امکانات گسترده فناوری‌های ارتباطی غافل بود.

به هر تقدیر پدیده‌ای به نام سوپرستار و به طور کلی چهره‌های مشهور را باید محصول صنعت کارآمد شهرت‌پروری به حساب آورد.بی‌تردید ستارگان نسل‌های پیشین چون‌الیزابت تیلور، جان وین و دیگران شهرت خود را در خلال فعالیت‌های خلاق هنری در طول زمان به دست می‌آوردند، اما روزگار کنونی داستان شهرت، داستان دیگری است و در زمان حال گاهی شهرت یک شبه به دست می‌آید و به همان نسبت یک‌شبه از میان می‌رود.

با ظهور رسانه‌های صوتی – تصویری جدید صنعت جدیدی به نام صنعت شهرت‌پروری در این عرصه گسترش چشمگیری یافته است به همین جهت پژوهش‌های گوناگونی از ناحیه محققان در این زمینه منتشر شده است. در جامعه ما هرچند شهرت‌سازی و شهرت‌پروری به صورت‌های گوناگونی وجود دارد اما هنوز به صنعتی مستقل تبدیل نشده است، با

این حال می‌توان نمونه‌هایی از آن را در جای‌جای رسانه‌ها ملاحظه کرد. صنعت شهرت‌پروری را می‌توان یکی از انجای جدیدتر صنعت فرهنگ نامید که کلیه ویژگی‌های صنعت فرهنگ در این حوزه نیز به چشم می‌خورد. این صنعت می‌کوشد تا زندگی روزمره چهره‌های شناخته‌شده و به ویژه شخصیت‌های سینمایی و تلویزیونی را با ترفندهای رسانه‌ای به‌اسطوره تبدیل کند.

بدیهی است: سوپر استارسازی ماهیتی ایجادی داشته و به دنبال مخاطبان گوناگون در پی آن است تا محبوبیت و شهرت را به عملی اقتصادی تبدیل کند. مساله‌ای که اغلب در این زمینه مطرح می‌شود، این است که کسانی چون مایکل جکسون، مدونا، شکیرا و… به چه جهت تا این حد شهرت‌ش عالم‌گیر شده است و این شهرت در قیاس با شهرت‌های حماسی در اساطیر کهن چه تفاوت‌هایی دارد. در گذشته قهرمانان معمولاً کسانی بودند که با انجام دلآوری‌های



محمد ضمیران

برداشت آخر

کاشی‌های تئاتر شهر کم می‌شوند

فرزانه ابراهیم‌زاده



از این زمین زودتر از آنچه فکرش را بکنند، آغاز شد و اعتراض هنرمندان به هیچ جایی نرسید اما هنوز مساله گودبرداری تمام نشده بود که عبور دو خط، سه و چهار متروی تهران مشکل بعدی تئاتر شهر شد. مترویی که سه سال بخشی از نما و محوطه باز تئاتر شهر را اشغال کرد و قرار بود سه خروجی دیگر داشته باشد، اما تنها خروجی روبه‌روی تئاترشهرش یک سال است افتتاح شده و خبری از ورودی‌های دیگر نیست. ۱۱ آبان ۱۳۸۵ بود که ورودی بخش جنوبی که مشرف بر گودبرداری بزرگ مجتمع فرهنگی مذهبی ولی عصر (عج) روی سر تالار قشقایی آوار شد. اما نه این اتفاق و نه تره‌کاهی که در اطراف ساختمان پدید آمد و نه ثبت تئاتر شهر در فهرست آثار ملی نتوانست جلوی ساخت و سازها را بگیرد و شاهکار علی سردار افخمی همچنان در معرض خطر است. به تازگی نه تنها تهدیدی که از لرزش ناشی از عبور مترو این بنا را می‌لرزاند، بلکه وجود جرقه‌یل‌های بزرگ که در ساخت و ساز ساختمان کناری‌اش این روزها هم نمایش را به هم ریخته، هم امنیت کسانی که به آنجا می‌آیند را نیز از میان برده است. تئاتر شهر این روزها در کنار حضور جرقه‌یل‌ها و تیرهای آهنی در حال ساخته شدن، یکی یکی کاشی‌های آبی رنگش را هم از دست می‌دهد.انگار قرار است ذره ذره از کاشی‌ها محو شود.

انگار کلبوس تخریب نمی‌خواهد دست از سر تئاتر شهر بردارد و ساختمان مدور چهارراه ولی عصر از چند گاهی باید در راس خبرهای هنری قرار گیرد. اما این بار خبر از کاشی‌های به سرت رفتن از بخش جنوبی تئاتر شهر است که در میان خبرگزاری‌ها پیچیده و باز این ساختمان را خبرساز کرده است. خبرگزاری مهر روز دوشنبه در خبری کوتاه که با عکس همراه شده بود از به سرت رفتن، شاید هم تخریب چند کاشی از کاشی‌های آبی رنگ تئاتر شهر نوشت. براساس این خبر، کاشی‌کاری‌های نمای بیرونی مجموعه تئاتر هم در حال به سرت رفتن و تخریب است. این کاشی‌ها که بخشی از تزئینات بیرونی ساختمان هستند، در زمان ساخت مجموعه در سال ۱۳۵۱ برای آن در کارگاهی در شهر نایین ساخته و پخته شده‌اند و بخشی از طراحی علی سردار افخمی است. مساله کم شدن دو یا چند کاشی فیروزهای از دهه‌ا کاشی که در نمای این ساختمان به کار رفته است، نیست، موضوع، ادامه جریانی است که در چند سال اخیر بارها توسط اهالی تئاتر و دلسوزان فرهنگی هشدار داده شده است و ناشی از نبود امنیت لازم در اطراف مجموعه تئاتر شهر و به دلیل اتفاقات و ساخت و سازهایی است که در حاشیه این ساختمان ۳۹ ساله در چند سال گذشته جریان داشته است. تئاتر شهر مهم‌ترین مجموعه تئاتری تهران و کشور است که حیات این رشته کم ادعای هنری را وابسته به خود کرده است و به همین دلیل هم هر اتفاقی در حاشیه آن رخ بدهد، می‌تواند در روند تئاتر کشور تاثیر بگذارد. همه اتفاقات از زمانی آغاز شد که در دوران شهردار

پنجره

فضایی تازه برای جوان‌ترها

چراغ می‌خورد، گرسنگی می‌کشید و از گرسنگی می‌مرد، خلاقیت هنر شباهت بسیار زیادی به تولید کارخانه دارد؛ نوعی عرضه و تقاضاست. هنرمند تولید می‌کند و حاصل کار، او در نهایت تولید اندیشمندانه‌ای است که اثرش به دیگران بر می‌گردد و باعث تعالی ذوق و اندیشه و سلیقه مردم می‌شود. به همین دلیل ارزشش بیشتر از تولید یک جفت کفش است. این ترتیب در حال حاضر اقتصاد هنر بخشی مهم از هنر است.

در کنار ایجاد فضایی تازه برای جوان‌ترها که این روزها در خانه هنرمندان مشاهده می‌شود، مدت‌هاست به این فکر می‌کنم که کاش حرکتی هم در جهت فروش آثار و رابطه با مجموعه‌دارانی که خریدار و عاشق هنر هستند، شکل می‌گرفت. به نظرم این یکی از معضلات کار است، البته قرار است در کمیتهای هم به دنبال‌دارد که در این ساله را مورد بررسی و بحث قرار دهیم و راحل‌هایی برایش پیدا کنیم.از همین جایی‌خواهم به همه دوستداران هنر و کسانی که آثار هنری را جمع می‌کنند بگویم که توجه به خانه هنرمندان به نفع خودشان است؛ چون این مکان، بیشترین جمعیت و بیشترین طبقه هنرمند، متفکر و روشنفکر را به خود جذب می‌کند. در این محل چندین گالری در آن واحد در کنار همدیگر قرار گرفته که هیچ‌جامشایی آیدنمی‌شود.پس خانه‌هنرمندان‌بهترین محل برای انتخاب اثر هنری است. خوب است دوستان مجموعه‌دار از جوان‌ها بیشتر خرید کنند؛ چون آثار آنها به هر حال ارزان‌تر است. در حقیقت رجوع مجموعه‌داران به خانه هنرمندان، هم به نفع خانه هنرمندان است. هم به نفع خودشان. امیدوارم همه دست‌اندرکاران هنرهای تجسمی خصوصاًمجموعه‌داران بیابندوبینند که جوان‌ها چه کارهای زیبایی در این محل به نمایش می‌گذارند.



غلامحسین نامی

این روزها جریان هنر نقاشی در ایران، به رودخانه زنده‌ای مبدل شده، به گونه‌ای که جوان‌ها در کنار هنرمندان پیشکسوت کار می‌کنند و خوشبختانه از نظر اقتصاد هنر هم تا حدودی وضعیت بهتر شده است. قیمت‌ها تغییر کرده که البته این تغییر قیمت‌ها مرهون اتفاقات سال‌های اخیر است؛ به خصوص آن زمان که هنر معاصر ایران به حراج‌های بین‌المللی راه پیدا کرد. معتقدم این امریکی از فرصت‌های طلایی هنر معاصر ما بود؛ ضمن اینکه در کنار خود معضلاتی هم به دنبال‌دارد که در فرصت‌های بعد باید در این‌باره بحث و بررسی شود. اما می‌خواهم در مورد وضعیت این روزهای خانه هنرمندان جامعه با سایر جوامع در همدلی و هم‌سخنی همراه بگویم و اینکه به جرأت در کل ایران، مرکزی که بتواند این همه جوان، هنرمند و عاشق هنر را به خود جذب کند، نداریم. الان هم با اضافه شدن چند گالری به این محل، مرکزیتی برای هنر عرضه کارهای هنری به وجود آمده است. من از ابتدای تأسیس خانه هنرمندان، عضو هیات موسس آن بودام. زمانی را به یاد می‌آورم که کاربری این مکان تغییر یافت و بازسازی آن شروع شد. از آن زمان تا به امروز خانه هنرمندان تغییرات فراوانی به خود دیده و گالری‌هایی به این مرکز اضافه شده که به‌فعل تر شدن جوان‌ها انجامیده است. طبیعتاً این امر، فرصتی مناسب برای عرضه کارهای جوانان است. از آن طرف، این انتقاد وجود دارد که در زمان ما اقتصاد هنر دیگر بخشی از خود هنر شده است. گذشت زمانی که هنرمند باید دود

پرسش از فرهنگ

انفعال اجتماعی چیست



ناصر فکوهی

■ نظریه‌پردازان اجتماعی عموماً در دو شاخه مختلف از وضعیت «متعارف» اجتماعی دفاع کرده‌اند: گروهی که عمدتاً شامل کارکرگرایان می‌شده‌اند، وضعیت متعارف را در وجود «تعادل» اجتماعی و کارکرد جوامع انسانی با کمترین هزینه دانسته‌اند، بنابراین اصل را بر آن گرفته‌اند که جوامع انسانی بر اساس قانون «اقتصاد» که امری بیولوژیک نیز هست، تلاش دارند با کمترین هزینه به بیشترین فایده برسند و از آنجا که موقعیت‌های تنش و عدم تعادل ایجاد هزینه می‌کنند، جامعه به صورت «طبیعی» رو به سوی آن دارد که در خود «تعادل» ایجاد کند. بنابراین نظریات ولو آنکه در جامعه‌ای تضاد و تنش و حتی شورش و هر گونه دیگری از ناراضیاتی و درگیری به وجود بیاید این امر موقت بوده و دیر یا زود جای خود را به آرامش می‌دهد که کم‌هزینه‌ترین موقعیت تنش همان‌گونه که «تقباض ماهیچه‌ای» به نسبت به «انبساط ماهیچه‌ای» موقعیتی کم هزینه و پر فایده‌تر است. اما در برابر این نظریه، گروه دیگری که نظریه‌پردازان قدرت به مثابه اصل اساسی جامعه‌پذیری قرار دارند، موقعیت «متعارف» را نه در «تعادل» بلکه در تنش می‌دانند، بدین معنا که جامعه برای آنکه جامعه باقی بماند دایماً انگیزش‌هایی چون رقابت، مبارزه، مقاومت، تنش و… میان کنشگران خود ایجاد می‌کند که این عوامل به گونه‌ای هر چند برای جامعه هزینه ایجاد می‌کنند، اما به آن دلیلی برای باقی ماندن نیز می‌دهند. اما در هر دو نظریه و نظریات دیگری که برای بیان چگونگی به وجود آمدن یک جامعه به‌طور عام و تداوم یافتن آن مطرح است یک اصل و بحث مشترک وجود دارد و آن، این است که بقای هر جامعه‌ای بستگی بسیار بالایی به آن دارد که به فرآیندهای بی‌شماری از مبادله درونی و بیرونی دامن یزند. به عبارت دیگر جامعه‌ای را می‌توان «زنده» تلقی کرد که نه فقط کنشگران درونی‌اش با یکدیگر مبادلات گوناگونی را انجام بدهند از همکاری و همیاری گرفته تا رقابت و تنش) بلکه بتواند با سایر جوامع نیز وارد مبادلات مشابهی شود. اکنون چند پرسش مطرح می‌شود؛ نخست آنکه نشانگان چنین انفعال و از کار افتادگی در فرایندهای مبادله چیست؟ سپس آنکه آیا می‌توان از به وجود آمدن این موقعیت جلوگیری کرد و چگونه؟ همچنین پیامدهای این وضعیت در کوتاه و درازمدت برای یک جامعه چه خواهد بود؟ و سرانجام چگونه می‌توان از این آسیب خارج شد؟ پاسخ پرسش نخست این است که نشانگان انفعال اجتماعی، در کاهش مبادلات اجتماعی در یک یا چندین بخش از حیات روزمره و درازمدت یک جامعه در سطح درونی یا بیرونی آن است. بنابراین انفعال ممکن است به صورت جزئی ظاهر شود و معمولاً چنین است زیرا اگر انفعال شکل عمومی به خود بگیرد ما به یک آنومی گسترده می‌رسیم که غالباً با یک تنش بسیار بزرگ اجتماعی نظیر یک انقلاب اجتماعی روبه‌رو است. کاهش مبادلات یا کند شدن سرعت مبادلات خود را در کاهش خلاقیت‌ها، کاهش تولید محصولات فرهنگی، مادی و ذهنی در یک جامعه یا حرکت آن جامعه به سوی تولید محصولات مشابه و کلیشه‌ای نشان می‌دهد که چه در سطح مادی و چه در سطح شناختی و زبان شناختی به طور کلیشه‌ای، صوری و سطحی شدن اشکال زبانی و فکری بروز می‌کند و همچنین با عدم توانایی افراد آن جامعه با سایر جوامع در همدلی و هم‌سخنی همراه است. در پاسخ پرسش دوم یعنی اینکه آیا می‌توان از بروز انفعال جلوگیری کرد، باید گفت آری اما به‌صورت نسبی. همه جوامع در همه دوره‌ها با خطر نسبی انفعال روبه‌رو هستند اما جوامعی که توانسته باشند محیط مناسب‌تری برای روایت درونی و بیرونی خود ایجاد کنند این خطر را به خود جوامع در حالی که جوامعی با روبریکرد مخالف این مساله، این خطر را به شدت در خود افزایش می‌دهند. پرسش سوم این است که چنین انفعالی چه پیامدهایی برای یک جامعه دارد؛ پاسخ آن است که این پیامدها به همان نسبت که انفعال شدیدتر و طولانی‌تر باشد افزایش می‌یابد و می‌توانند از نوعی کرختی و فلج موقت در یک بخش از جامعه آغاز شوند و تا نابودی کامل آن جامعه به صورت موقت یا دایم پیش روند.

از میان رفتن تمدن‌های بزرگ نمونه‌ای از این واقعیت است که بزرگ‌ترین قدرت‌ها نیز نمی‌توانند خود را از این خطر مصون بدانند. و سرانجام پاسخ پرسش آخر یعنی چه می‌توان کرد که یا دچار انفعال نشد یا از آن خارج شد؛ در اینجا باید گفت، ایجاد شرایط مناسب برای مبادلات درونی و بیرونی در قالب افزایش قانون‌گرایی

بهترین عامل برای پیشگیری از ورود به انفعال است، همین‌طور اصل قرار دادن رویکردهای عدالت‌محورانه و دفاع از ضعیف‌ترین اقشار و محروم‌ترین گروه‌های اجتماعی. اما در مورد جامعه‌ای که دچار انفعال گهواره

یا درازمدت شده، نمی‌توان تکیه بیکباره تصور کرد که پیاده کردن چنین شرایطی ممکن است. بر عکس، انجام این کار می‌تواند جامعه را دچار آسیب بدتری کند. درست مثل کسی که مدت زیادی غذا نخورده و اگر بخواهیم او را از خطر مرگ از گرسنگی نجات دهیم باید به او غذا بدهیم اما با ضرباهنگی بسیار آرام، تا بدن وی بتواند آن را تحمل کند.